Theories and criticism in Arabic literature
The Second Year, Number ٨, Winter١٤٠١
Pp:٥٥- ٧٠

Research Paper
DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥,٤٦٣٢٥٥,١٠٤٣

Reflections of Resistance in the play "Mohammad" by Tawfiq Hakim

Seyyed Mehdi Nouri Kizghani [١]

Abbas Ganjali [٢]

Ali Bahman [٣]

(Received: ٢٠٢٥,٠٦,١٦,Accepted: ٢٠٢٤,١٠,١٣)

Abstract

The culture of sustainability in an Islamic system is one of the most important and prominent features of this school .Tawfiq Hakim, a well-known Egyptian playwright, in many of his works intends to inform the public and honor the values of resistance to oppression by depicting historical events in the form of a play. His play "Mohammad" is an example of a historical play in the form of dialogues and conversations. Using the legitimate books of Sire and History, the author has been able to depict the life events of the Prophet from his birth to his death in the form of a play. Propagating the religion of Islam and accomplishing his mission, the Holy Prophet faced strong opposition from the pagans and became an exemplary idol of resistance for the world by perseverance and resilience against the pagans. In this article, we attempted to delineate some components of sustainability in the mentioned play for the readers by analyzing the text.

Keywords: Tawfiq Hakim, The play of "Mohammad", Reflections of Resistance.

---

١. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran, Email: sm.nori@hsu.ac.ir (Responsible author).

٢. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran, Email: a.ganjali@hsu.ac.ir

٣. Master's degree, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran, Email: bahman٢٩١٥@gmail.com

© The Author(s). **Publisher**: Kosar University

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الثانية، العدد ٨، شتاء ١٤٠١

صص: ٧٠-٥٥

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥,٤٦٣٢٥٥,١٠٤٣

جلوه‌های پایداری در نمایشنامۀ «محمد» اثر توفیق حکیم

سید مهدی نوری کیذقانی [١]

عباس گنجعلی [٢]

علی بهمن [٣]

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳,۰۳,۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴,۰۷,۲۱)

چکیده

پایداری یکی از مهمترین ویژگی‌های فرهنگ و نظام اسلامی به شمار می‌رود. توفیق حکیم (۱۸۹۸-۱۹۸۷) نمایشنامه‌نویس پرآوازه مصری در بسیاری از آثار خود با ترسیم وقایع تاریخی در قالب نمایشنامه، قصد آگاهی بخشی به مردم و تکریم ارزش‌های انسانی و پایداری در برابر ستم را دارد. نمایشنامه «محمد» او از اولین و مهمترین نمایشنامه‌های مهم آیینی و تاریخی در ادبیات معاصر عرب است. نویسنده با بهره‌گیری از کتاب‌های معتبر سیره و تاریخ توانسته وقایع و حوادث زندگی پیامبر (ص) از تولد تا وفات ایشان را به شکل نمایشنامه به تصویر کشد که البته در پژوهش‌های ادبی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در نمایشنامه مذکور، حکیم صحنه‌های مختلفی از پایداری پیامبر (ص) را در برابر مخالفان و دشمنان مختلف خود، در قالب نمایشی به تصویر می‌کشد. در این مقاله سعی شده به شیوه تحلیل متن، برخی جلوه‌های پایداری در نمایشنامه مذکور استخراج و تحلیل گردد. به ظور خلاصه می‌توان گفت که «حکیم» با استفاده از ظرفیت هنری نمایشنامه توانسته گامی در دفاع از ساحت پیامبر اکرم (ص) در برابر هجمه‌های شرق و غرب بردارد و ایشان را به عنوان الگوی پایداری و انسانیت به آزادگان سراسر جهان معرفی‌کند.

کلید واژه‌ها: توفیق حکیم، نمایشنامه محمد، جلوه‌های پایداری.

---

١. دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، ایمیل: sm.nori@hsu.ac.ir (نویسنده مسئول)

٢. دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، ایمیل: a.ganjali@hsu.ac.ir

٣. کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، ایمیل: bahman٢٩١٥@gmail.com

© حق مولف نویسندگان **ناشر:** دانشگاه کوثر

۱. مقدمه

ادبیات مقاومت نمودی از پیوند استوار میان ادبیات و اجتماع است. «ادبیات پایداری معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که تحت شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی نبود آزادی فردی و اجتماعی قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت و سرمایه‌های ملی و فردی و... شکل می‌گیرد. ادبیات پایداری به انسان‌ها آگاهی مقاومت ایثار و در نهایت ایستادگی و انقلاب می‌آموزد» (محمودی زاده، ۱۳۹۵: ۶). ادبیات پایداری بی‌گمان عمری به طول خلقت آدمی دارد. آنگاه که ستمی بر کسی وارد شده است، بی‌گمان ناله‌ای سر داده و شکوه‌ای کرده است، این ناله و شکوه در حد و اندازه خود پایداری نامیده می‌شود هر چند که شفاهی بوده و هیچ‌گاه مکتوب نشده باشد. ادبیات در هر دوره تصویری از شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... حاکم بر اجتماع را برای نسل بعدی به یادگار می‌گذارد به طوری‌که از مطالعه آثار ادبی هر دوره می‌توان تاریخ آن دوره را نوشت (امیری خراسانی،۱۳۹۳: ۲) نقش ادبیات پایداری انگیزش غریزه پایداری خفته و تولید نیروی ایستادگی است که با گذشت روزگاران رو به کاستن نهاده است (شکری، ۱۹۷۰: ۱۶).

توفیق حکیم در سال ۱۸۹۸ در اسکندریه مصر متولد شد و تعلیمات ابتدایی‌اش را در همان زادگاه خود گذراند. پدرش او را جهت ادامه تحصیل دوره متوسطه به قاهره فرستاد. در آن زمان مصریان از اشغال انگلیسی‌ها به ستوه آمده بودند و یکی از جلوه‌های انقلاب، تظاهرات خیابانی ۱۹۱۹ بود وی در سال ۱۹۲۴ در رشته حقوق فارغ‌التحصیل شد و جهت تکمیل تحصیلات تکمیلی راهی پاریس شد و در آنجا به مدت چهار سال ماند و علاوه بر تحصیل بیشترین مطالعه‌اش را بر ادبیات اروپا گذاشت تا بررسی کند که این ادبیات تا چه حد توانسته مضامین شخصی و اجتماعی را منعکس کند و در این مدت توانست اطلاعات زیادی کسب کند و رمان «عوده الروح» را نوشت تا توانسته باشد روحیه انقلابی و مبارزه‌طلبی مردم مصر جهت به دست آوردن آزادی به تصویر بکشد (ضیف،۱۹۸۸: ۲۸۸– ۲۸۹). «او در سال ۱۹۵۶ به نمایندگی جمهوری متحد عربی مصر در یونسکو منصوب شد. به پاریس رفت و بالاترین نشان دولتی را بر سینه‌اش زدند» (حکیم، ۱۳۸۹ش: ۱۱).

۱-۱. بیان مسأله

توفیق حکیم یکی از نویسندگان بزرگ مصر، در خلال صد سال اخیر به شمار می‌آید. حضور معنوی و فرهنگی او در همه تحولات ادبی، هنری و فکری نه تنها برای مردم کرانه‌ی نیل، بلکه در سراسر کشورهای عربی، فعال، درخشان و سودمند بوده است و از این رو او را نماینده یک نهضت کامل ادبی درزمینه داستان، نمایشنامه‌نویسی در کشورهای عربی می‌دانند. او بیشتر برای مردم، برای آزادی و احقاق، حق برای تعالی اخلاقی و تهذیب نفس و ترقی فکری جامعه عرب‌زبانان نوشت (کسمایی،۱۳۷۰: ۲۹۹).

یکی از ویژگی‌های بارز آثار توفیق حکیم، نگاه او به فرهنگ شرق و میراث آن است وقتی در شخصیت حضرت محمد (ص) متمرکز می‌شود او را به عنوان انسان کامل و الگوی اخلاق، انسانی زیستن و پایداری در میدان زندگی و سیاست می‌بیند و قدرت رهبری و تصمیم‌گیری حضرت در غزوات، مشورت خواستن از یارانش در دفاع از سرزمین در برابر حملات دشمن را نشان توان بالای رهبری ایشان می‌داند. در این مقاله سعی داریم برخی از مؤلفه‌های پایداری را در نمایشنامه آیینی او یعنی «محمد» واکاوی کنیم.

۲-۱. اهمیت و ضرورت

با توجه به تحولات اخیر منطقه خاورمیانه و باز شدن فصل جدیدی در ادبیات مقاومت جهان اسلام و فلسطین در دهه‌های اخیر و رخدادهای جدیدی مثل طوفان الأقصی، پرداختن به آثار اصیلی که بن‌مایه مقاومت و اسلامی بودن را با هم دارا هستند از اهمیت بسزایی برخوردار است و با توجه به این که تاکنون پژوهشی بر روی نمایشنامه «محمد» از توفیق حکیم صورت نگرفته است، کار بر روی این نمایشنامه درخور توجه می‌نماید.

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

مهمترین مؤلفه‌های پایداری در نمایشنامۀ «محمد» کدام است و توفیق حکیم چگونه توانسته از خلال سیرۀ پیامبر (ص) و حوادث صدر اسلام روحیه پایداری و بیداری را در جوامع معاصر اسلامی احیا نماید؟

۴-۱. پیشینه پژوهش

درباره نمایشنامه «محمد» توفیق حکیم تاکنون هیچ پژوهشی صورت نگرفته است اما درباره دیگر آثار این ادیب و نویسنده بزرگ پژوهش‌هایی انجام‌گرفته که برخی عبارت‌اند از:

- بررسی اسطوره و طنز اجتماعی در نمایشنامه توفیق حکیم اثر فروزان صدر زاده دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، ۱۳۹۳.
- نقد و بررسی نمایشنامه «شهرزاد» توفیق حکیم اثر حسین یزدانی دانشگاه کردستان دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۷۸.
- مضامین اجتماعی «المسرح المجتمع» توفیق حکیم اثر یاسین مجیدی دانشگاه تربیت‌معلم تبریز،۱۳۸۹.
- بررسی و تحلیل نمایشنامه ذهنی «شهرزاد و بجمالیون» توفیق حکیم اثر سمانه ریسی دانشگاه بوعلی سینا دانشکده علوم انسانی،۱۲۸۷.

۵-۱. روش انجام پژوهش

روش انجام پژوهش حاضر به شیوه توصیفی تحلیلی خواهد بود. ابتدا مهمترین بن‌مایه‌های پایداری از نمایشنامه مذکور استخراج شده و سپس به واکاوی و تشریح آنها پرداخته خواهد شد.

۲. بحث و بررسی

سیره پیامبر اسلام (ص) نشان می‌دهد در عین حال که ایشان پیامبر رحمت و رأفت و الگوی اخلاق ناب انسانی نام گرفته است، الگوی پایداری و مبارزه با ستم و ستمگران هم می‌باشد. «نشان این امر آن است که نخستین دسته گروندگان به دین تازه پیامبر (ص)، ستم‌کشان و بردگان و خرده پایان بودند. مسلماً اگر در همان آغاز اسلام، دعوت پیامبر (ص) در یکتاپرستی خلاصه می‌شد، قریش آنچنان از وی ناخشنود نمی‌شدند بلکه همه یا بیشتر آنان به وی ایمان می‌آوردند اما دقت در سوره‌های کوتاه که نخستین دسته از آیات قرآنی است نشان می‌دهد که همراه با این دعوت ساده درخواست‌های دیگری هم عنوان‌شده است درخواستی که موقعیت اجتماعی

ستمگران و ثروتمندان و استثمارگران را تهدید می‌کرد» (شهیدی، ۱۳۸۵ش:۲۳). آری دعوت پیامبر (ص) از همان روزهای نخست، افزون بر توحید و نفی هرگونه شرک، با ایستادگی و پایمردی در برابر زورگویان و طاغوت‌ها همراه بود. تا مردمان در جامعه‌ای آزاد و انسان‌مدار به سعادت دنیا و آخرت برسند. در ادامه به مهم‌ترین مضامین پایداری در نمایشنامه توفیق حکیم که خود آزاداندیش بود و دغدغه زدودن رنج‌های انسان را داشت بررسی می‌شود.

۱-۲. شجاعت و شهامت

اشاره به شجاعت و شهامت قهرمانان پایمرد و اقشار مختلف جامعه یکی از مضامین پرکاربرد حوزه ادبیات پایداری است. «شجاعت فضیلتی است که بیان‌کننده جرئت بیش از حد و عصبانیت رام شده‌ی عقل و حکمت و تعادل روانی و سلامت روحی می‌باشد. و شهامت: اعتمادبه‌نفس هنگام روبرو شدن با مرگ بدون ترس، پس شهامت نیرویی است که از شجاعت سرچشمه می‌گیرد» (الزحلی، ۱۳۹۲: ۳۳). شجاعت یک حالت درونی و انگیزشی در برافراشتن پرچم حق و پایین کشیدن بیرق باطل است.

«پیامبر اکرم (ص) قبل و بعد از بعثت نمونه کامل انسان شجاع بودند. حضرت در گفتن حق هیچ ترس و دلهره‌ای نداشتند؛ آن زمانی مشرکان بت‌ها را سجده می‌کردند و به آن‌ها قسم می‌خوردند پیامبر اکرم نه تنها که به آنها سجده نمی‌کرد بلکه اوج نفرت و بغض خود را زمانی که از او می‌خواستند که به لات و عزی و امثال بت‌های دیگر قسم بخورد ابرازمی کرد» (أبوزهره، ۱۴۲۳: ۱۶۳). «شجاعت حضرت به حدی بود که در مدت ده سال اقامت در مدینه، حدود بیست و هفت نبرد را خود فرماندهی کرد. در نبرد خندق شجاعت ایشان به حدی بود که پاسداری از رخنه‌ای که احتمال می‌رفت مشرکان از آن نفوذ کنند را به عهده گرفت» (سیدی، ۱۳۹۳ ش: ۶۴).

گابریل انکری از اندیشمندان غربی درباره این پایداری و شهامت پیامبر می‌گوید: «تهدیدها در پیغمبر اثر نمی‌کرد و همچنان به تبلیغ و ترویج آیین جدید ادامه می‌داد و پرستش خدایان سنگی مغرور و ابتذال آنان را با شهامت و هیجانی روزافزون به باد انتقاد می‌گرفت» (انکری، ۱۳۷۸ش:۲۲).

توفیق حکیم در فرازهای مختلف نمایشنامه صفت شجاعت و شهامت پیامبر را به نمایش می‌گذارد. مثلاً در جایی که بحیرای راهب آثار نبوت را در او می‌بیند از حضرتش سؤالاتی می‌پرسد. و ایشان را به بت‌های لات و عزی قسم می‌دهد که جواب دهد و پیامبر (ص) بی هیچ هراسی از جو شرک‌آمیز آن روزگار می‌گوید با قسم دادن به لات و عزی چیزی از من نپرس که به خدا قسم هیچ چیزی نزد من زشت‌تر از این دو بت نیست پس بحیرا او را به الله قسم می‌دهد: «بحیرا: (لمحمد هامسا) یا غلام ...أسالک بحق اللات والعزی إلا ما أخبرتنی عما أسالک عنه.

محمد: لاتسألنی باللات والعزی شیئا...فوالله ما أبغضتُ شیئاً قطُّ بغضَهما.

بحیرا: فبالله إذن، إلاما أخبرتنی عما أسألک عنه ...محمد: سلنی عما بدا لک» (توفیق حکیم، ۱۹۳۶: ۱۶).

ترجمه: «بحیرای راهب: (درگوشی به محمد) ای جوان ! به حق لات و عزی از تو می‌خواهم که به آنچه از تو می‌پرسم جواب دهی!.

محمد: با یاد و سوگند لات و عزی چیزی از من نپرس.. به خدا سوگند هیچ چیزی به‌اندازه آنها نزد من منفورتر نیست».

نمونه دیگر از شهامت و شجاعت پیامبر (ص) زمانی است که جبریل امین، امر خداوند را آورد که «ای پیامبر نزدیکانت را به دین اسلام دعوت و به آنها از عذاب خداوند هشدار بده و آنچه به آن امر شده‌ای را اظهار کن و از مشرکان روی برگردان» (حجر/۹۴). این حرکت مخالفت‌هایی را از جانب مشرکان برانگیخت و شروع به مقاومت در برابر تبلیغ دین اسلام نمودند تا جایی که نزد ابوطالب عموی پیامبر آمدند و از او خواستند که جلوی تبلیغ دین برادرزاده‌اش را بگیرد و اگر قبول کند قریش حاضر است او را از بهره دنیا بی‌نیاز کند. وقتی ابوطالب قضیه را به حضرت محمد گفت پیامبر با قاطعیت و با شجاعت و عزمی راسخ به عمویش گفت ای عمو به خدا قسم اگر خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپ من بگذارند تا از این کار دست بردارم از هدفم دست بر نخواهم داشت گفتن با چنین قاطعیت نشان از ایمان کامل به ذات احدیت و امید به حمایت او دارد و شجاعت بی‌بدیل یک رهبر الهی را به نمایش می‌گذارد:

«أبوطالب: (متغیرالصوت) یا ابن أخی ...أن قومک قد جاءونی فی أمر هذا الدین الذی جئت به و أجمعوا علی فراقی و عداوتی؛ فأبق علی و علی نفسک، و لاتحملنی من الأمر ما لاأطیق.

محمد: (فی قوة وعزم) یا عم ... و الله لو وضعوا الشمس فی یمینی و القمر فی یساری، علی أن أترک هذا الأمر حتی یظهره الله أو أهلک فیه؛ – ماترکته... (توفیق الحکیم،۱۹۳۶: ۳۴).

ترجمه: «ابوطالب: (با صدای گرفته) ای برادرزاده من !... خویشاوندانت درباره این دین که آوردی پیش من آمدند، و تصمیم بر جدایی از من و دشمنی با من گرفتند؛ پس بر من و خودت رحم کن و کاری که تاب تحمل آن را ندارم بر من تحمیل نکن.

محمد: (با توان و اراده قوی) عمو جان! به خدا سوگند هرگاه آفتاب را در دست راست من، و ماه را در دست چپ من، قرار دهند (سلطنت تمام دنیا را در اختیار من بگذارند) تا از تبلیغ آیین و هدف خود دست بردارم، هرگز برنمی‌دارم و هدف خود را دنبال می‌کنم تا بر مشکلات پیروز آیم و به مقصد نهایی برسم و یا در راه هدف جان سپارم...».

فرازی دیگر از شجاعت پیامبر آنجاست که در موسم حج ایشان بر قبایل وارد می‌شد و آنها را به ایمان به خدا و پذیرش دین اسلام دعوت می‌کرد. آری پیامبری که پشتوانه‌ای جزء خدا نداشت با شهامت کامل و عدم توجه به تهدیدات مشرکان دست از دعوت خود دعوت برنمی‌دارد:

محمد: یا بنی عامر ... إنی رسول الله إلیکم، یأمرکم أن تعبدوا الله ولا تشرکوا به شیئا، وأن تخلعوا ماتعبدون من دونه من هذه الأنداد، وأن تؤمنوا بی، وتصدقوا بی، وتمنعونی، حتی أبین عن الله مابعثنی به (توفیق حکیم، ۱۹۳۶: ۳۵).

شرط پذیرش حق و ایمان به خدا شکست بت‌های درون و برون است؛ در دل محبت دو خدا نمی‌گنجد. در جایی عقبة بن أبی معیط با حالت تهدید و خشم با افرادی به‌طرف پیامبر (ص) می‌رود و از پیامبر می‌پرسد: «عقبة: (فی نفرمن قریش ینهضون إلی النبی) یا محمد ... أنت الذی تقول إن إلهک خیر من آلهتنا؟

محمد: (یلتفت إلیه) نعم أنا الذی أقول ذلک».

ترجمه: «عقبه: (با تعدادی از قریشیان بلند می‌شوند و به سوی پیامبر می‌روند) ای محمد!

تو کسی هستی که می‌گویی خدای تو بهتر از خدایان ماست؟

محمد: (به او رو می‌کند) بله من همانم که این سخن را می‌گویم!».

البته پوشیده نیست اینکه پیامبر (ص) با بت‌پرستی مخالف بود در اصل انکار اندیشه بت‌پرستی است، یعنی پرستش موجودی که هیچ اختیاری ندارد و فاقد اندیشه است. نفرت پیامبر از بت می‌تواند نماد نفرت از آدم‌هایی باشد که مردم را در جهل نگه داشتند و فرصت اندیشیدن را از آنها را سلب کردند.

۲-۲. سازش‌ناپذیری با باطل

مفهوم سازش‌ناپذیری با ستمکاران و پایداری در برابر وعده‌های مستکبران و استثمارگران یکی از مفاهیم رایج ادبیات پایداری معاصر در حوزه شعر و نثر می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که دیوان‌ها و آثار شاعران و ادیبان ادبیات پایداری سرشار از سروده‌ها و مطالبی در این مضمون می‌باشد.

از دیگرسو فرمان خدا را کسی می‌تواند اجرا کند که بر ناقص و باطل سازش نکند و جز به خدا چشم‌داشتی نداشته باشد. سیره پیام‌آوران الهی در راهنمایی مردمان بر اصلاح زندگی این جهانی و عدم باطل گرایی و ستمکاری استوار بود؛ آنها سخت‌ترین مصائب را تحمل کردند اما تن به باطل نداده‌اند. رسول خدا (ص) در دوران رسالت خویش پذیرای باطل نشد و برای پیشبرد امور حق سازش ننمود. آری «رسالت بزرگ پیامبر (ص) با سازش‌کاری و باطل پذیری صورت نمی‌پذیرفت. امیر مؤمنان علی (ع) درباره این واقعیت فرموده است: فرمان خدا را تنها کسی می‌تواند اجرا کند که سازش‌کار و انحراف‌پذیر و طمع ورز نباشد» (دلشاد، ۱۳۸۵ ش:۳۰۷).

پیامبر اسلام با شیوه خاصی از گفتگو مخالفان را دعوت به گفتگو می‌کرد و تلاش می‌کرد تا حق و حقیقت را برای آنها آشکار کند زیرا یک راه باطل است و یک راه حق (السرجانی، ۲۰۱۰ م: ۷۲) وقتی نگاهی به سیره پیامبر می‌اندازیم او را در راه ثابت قدم می‌یابیم و می‌بینیم که شجاعت در گفتن حق و تسلط بر اعصاب در مواقع حساس از ویژگی‌های بارز ایشان می‌باشد لذا حضرتش در میدان کارزار و مصائب همیشه پیروز میدان بود (شیث خطاب، ۱۹۶۰: ۸). هنگامی که مشرکان هر ترفندی را به کار می‌گیرند تا پیامبر را قانع کنند که دست از دین جدید بردارد و با آنها سازش کند پیامبر با آیه‌های قرآن جواب آنها را می‌دهد.

در فرازی از نمایشنامه أمیهٔ بن خلف یکی از مشرکان پیشنهادی را به پیامبر می‌دهد که ای محمد بیا و اصول خویش دست بردار و راه سازش در پیش گیر و باطل ما را بپذیر تا ما هم خدای تو را بپرستیم، اما پیامبر بی‌هیچ درنگ و سستی با خواندن سوره کافرون پاسخی قاطع بدو می‌دهد:

أمیة: (متخبثا) یا محمد ... هلم فلنعبد ماتعبد، وتعبد ما نعبد، فنشترک نحن وأنت فی الأمر؛ فإن کان الذی تعبد خیرا مما نعبد کنا قد أخذنا بحظنا منه، وأن کان مانعبد خیرا مما تعبد کنت قد أخذت بحظک منه؟

محمد: (يتلو) قُلْ يا أَيُّهَا الْكافِرُونَ، لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ وَ لا أَنا عابِدٌ ما عَبَدْتُمْ وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِيَ دينِ (توفيق الحكيم، ۱۹۳۶: ۴۰).

پیامبر اکرم چون از نیرنگ أمیه آگاهی یافت جوابش را با سوره مبارکه کافرون داد و این یعنی «نه» گفتن به طاغوت زمان و پایداری در برابر زورگویانی که به زر و زور و تزویر متوسل شده بودند و سعی داشتند پیامبر (ص) را از مسیرش بازگردانند.

۳-۲. تحمل و شکیبایی

در هر کار و امر مهمی لازمه پایداری، صبر و تحمل ناملایمات است. «تحمل و شکیبایی عبارت است از کنترل نفس هنگام بروز رنجها و اسباب اذیت‌کننده و آلام و رنجهایی که از آزمایش‌های الهی سرچشمه می‌گیرند» (الزحلی، ۱۳۹۲: ۱۴۰). کسی نمی‌داند که چه مصیبت‌ها و بحران‌هایی بر پیامبر اکرم (ص) گذشته است و ایشان در همه اینها چقدر صبوری کرده و شکیبایی ورزیده‌اند؛ صبر بر یتیمی، صبر بر فقر و نداری وگرسنگی و شماتت و صبر بر طردشدن از سرزمین و اهل و تبار؛ و حضرتش با شکیبایی توانست از این آزمایش‌های الهی پیروز بیرون بیاید. دشمانش هنگامی که سبب رنجشش می‌شدند فرمان خداوند را به یاد می‌آورد که می‌فرماید (فاصبر علی ما یقولون) (طه / ۱۳۰). و صبر او متکی بر نصرت خداوند بود و دلش به یاری او آرام می‌گرفت و مثلی شد در سعه صدر، صبر جمیل، شکیبایی بزرگ، و آرامش قلب و به حق پیشوای صابران و الگوی شاکران قرار گرفت (القرنی، ۱۴۲۲: ۳۱ – ۳۳).

توفیق حکیم در نمایشنامه «محمد» در چندین جا به این ویژگی پیامبر (ص) اشاره می‌کند؛ آنجایی که مشرکین شروع به آزار و اذیت مسلمانان کردند پیامبر (ص) آنها را بر صبوری و استقامت دعوت می‌کرد:

أمیة: (لبلال و هو تحت الصخرة العظيمة في بلاء عظيم) لاتزال هكذا؛ حتى تموت أو تكفر به محمد، وتعبد اللات والعزى ...

بلال: (ناظراً الى السماء وهو يتلوى من الألم) أحد، أحد...

محمد: (همسا للمعذّبين) اصبروا واثبتوا (توفيق الحكيم، ۱۹۳۶: ۶۱).

بلال زیر سنگ داغ تحت شکنجه بود امیه به او می‌گفت: تاز مانی که از دین محمد روی بر نگردانی و بت‌های لات و عزی را عبادت نکنی زیر شکنجه می‌مانی. بلال در حالی از درد ناله می‌کرد به آسمان نگاه می‌کرد و احد احد زمزمه می‌کرد و پیامبر اکرم هم به صبر و استقامت در راه دعوت می‌کرد.

زمانی که مشرکان توطئه قتل پیامبر (ص) را کشیدند که شبانه بر پیامبر (ص) خفته در بستر حمله کنند، خداوند رسولش را از این نقشه دشمنان آگاه کرد و حضرت علی (ع) حاضر شد در بستر پیامبر بخوابد تا ایشان شبانه مکه را ترک کند و پیامبر همراه ابوبکر به غاری در راه مسیر یثرب پناه بردند و مشرکان هم به دنبال آثار جای پای آنها تا دهانه غار آمدند و ابوبکر از ترس می‌لرزید و پیامبر او را دلداری می‌داد که غمگین مباش همانا خدا با ماست: ابوبکر یرتجف فی صمت، **محمد:** لاتحزن ... إن الله معنا ... (توفیق حکیم، ۱۹۳۶: ۹۸).

عبارت لا تحزن که نبی مکرم جهت آرام کردن ابوبکر در غار به او می‌گوید نشان از شجاعت راستین و قلب استوار پیامبر (ص) دارد، آن هم زمانی که کفار آنها را احاطه کرده بود. این جملات بیانگر عزمی راستین و جزمی مستحکم است، آری مادامی که خدا با ماست هیچ غم و ترسی و نگرانی بر ما نیست (القرنی، ۱۴۲۲: ۶۲).

۴-۲. جهاد در راه خدا

جهاد در راه خدا همان دفع باطل و ظلم و قطع استمرار آن و دفاع از توحید و دعوت به آن و ایمان است و هدف آن ایجاد فضای امن برای اجرای فرامین اسلامی بدون هیچ ترس و واهمه‌ای می‌باشد (أبوزهره، ۱۴۳۳: ۵۰۵). فداکاری در راهی که محبوب دوست دارد و دفع کردن چیزی که محبوب آن را زشت می‌دارد. آنچه خداوند دوست دارد داشتن ایمان و عمل صالح است و آنچه که سبب خشم و غضب خدا را در بر می‌گیرد کفر، فساد و عصیان گری است (القادری، ۱۴۱۳: ۴۹ – ۵۰). در اسلام جنگ برای تجاوزگری نیست، بلکه جهاد در راه خداست یعنی جهاد برای اعتلای ارزش‌های والای انسانی و هدف ارزشمند (توفیق الحکیم، ۴۰۳: ۱۹۵). اسلام به گونه‌ای جوانان را تربیت کرد که هر لحظه آماده جهاد بودند؛ در نمایشنامه «محمد» ما شاهدیم زمانی که پیامبر برای جنگ احد آماده می‌شد جوانانی که صحنه جنگ را ندیدند اعلام آمادگی کردند:

الشباب: اخرج بنا یارسول الله .../ لقدکنا و الله نخرج إلی عدونا ... أما و قد أعزنا الله بالإسلام، وفینا نبی مرسل؛ أیدخل الوهن قلوبنا والخوف نفوسنا؟ ...

ابن أبی: هولاء والله فتیان أحداث ممن لم یشهدوا «بدر» لایرون إلا أن یصنعوا ماصنع الآخرون ... الشباب: نعم ... أن الله الذی نصر رسوله یوم «بدر» لقادر علی نصره الیوم ... اخرج بنا یا رسول الله؛ کما خرجت بأصحاب «بدر» ... اخرج بنا إلی عدوکم...

محمد: (ینهض) تهیأوا للخروج إلی عدوکم (الحکیم، ۱۹۳٦: ۱٦۰).

۵-۲. ترسیم جامعه ستم دیده

یکی از مضامینی که در ادبیات پایداری هر ملتی وجود دارد توصیف بیدادها و ستم‌هایی است که بر ملتی مظلوم می‌رود و شاعران و ادیبان زبان گویای مردم در بیان این مصائب هستند. توصیف جنایت و ستم نوعی اعتراض به جامعه‌ای است که در آن عده‌ای با زور و ستم ارزش‌های انسانی را پایمال کرده و در پیشبرد اهداف خود مردم ضعیف را قربانی می‌کنند و ترسیم چنین جامعه‌ای آگاهی‌بخش و بیدارکننده مردم است. ظلم و ستم با فطرت انسان سازگاری ندارد و در نظر همگان ناپسند است به طوری‌که حتی ظالمان سعی بر موجه جلوه دادن ستم‌های خود دارند و کوشش‌هایی می‌نمایند تا خود را از واژه ظالم مبرا سازند. در تعلیمات اسلامی همواره به صبر و بردباری در سختی‌ها و مصیبت‌ها سفارش شده و از عجز، ناله و ناشکیبایی پرهیز داده شده است و تنها مورد استثنای این مسئله صبر در برابر ظالمان است، خداوند می‌فرماید: «لا یُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلاَّ مَنْ ظُلِمَ» (نساء/ ۱۴۸). (خداوند، بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد، مگر [از] کسی که بر او ستم رفته باشد).

یکی از فرازهای نمایشنامه که در آن توصیف جامعه ستمدیده و ظلم و جور ستمگران به خوبی ترسیم شده است آنجاست که مسلمانان به حبشه هجرت می‌کنند. هنگامی‌که گروهی از مسلمانان به خاطر آزار و شکنجه مشرکان به حبشه می‌روند و نجاشی پادشاه مسیحی حبشه از جعفر طیار علت آمدنشان به حبشه را جویا می‌شود جعفر جامعه قبل از بعثت پیامبر (ص) را این توصیف می‌کند:

النجاشی: ماهذا الدین قد فارقتم فیه قومکم، و لم تدخلوا فی دینی ولا فی دین أحد من هذه الملل؟

جعفر: (یتقدم بین یدی النجاشی) أیها الملک ... کنا قوما أهل جاهلیة نعبد الأصنام، ونأکل المیتة، ونأتی الفواحش، ونقطع الأرحام، ونسیء الجوار، ویأکل القوی منا الضعیف ... (الحکیم، ۱۹۳۶: ۷۳).

مهمترین مطالبی که در این فراز، «حکیم» از زبان جعفر در توصیف جامعه ستمدیده پیش از اسلام بیان می‌دارد عبارت است از: عبادت بتها، خوردن گوشت مرده، انجام کارهای ناشایست، عدم صله رحم، بد رفتاری با همسایگان، خرد شدن ضعیفان توسط زورگویان.

در ادمه جعفر بیان می دارد که بعد از این همه فشار و ستم‌های گوناگونی که بر ما وارد می‌شد خداوند پیامبر را که ناجی ما بود، نزد ما فرستاد و پیامبر (ص) با عزمی راسخ و پایداری کم نظیر ما را به راه آورد:

«فکنا علی ذلک حتی بعث الله ألینا رسولا منا، نعرف نسبه وصدقه وأمانته وعفافه؛ فدعانا إلی الله؛ لنوحده ونعبده، ... وأمرنا به صدق الحدیث وأداء الأمانة وصله الرحم، وحسن الجوار، والکف عن المحارم والدماء، ونهانا عن الفواحش، وقول الزور، وأکل مال الیتیم، وقذف المحصنة، وأمرنا أن نعبد الله وحده لانشرک به شیئا، وأمرنا بالصلاة والزکاة والصیام»

جعفر در ادامه توصیفات خود بیان می‌دارد که وقتی ما در برابر مشرکان ایستادیم فشار و ستم مشرکان به حدی بالا رفت که تاب پایداری در سرزمین خودمان را از ما گرفت و مجبور به مهاجرت شدیم:

«فلما قهرونا، وظلمونا، وضیقوا علینا، وحالوا بیننا وبین دیننا؛ خرجنا إلی بلادک، واخترناک علی من سواک و رجونا أن لا نظلمَ عندک أیها الملک... (الحکیم، ۱۹۳۶: ۷۳).

۶-۲. شهادت و ارزش آن

شهادت یکی از کلیدواژه‌های پرکاربرد و شاخص فرهنگ و ادبیات پایداری است. خداوند متعال در آیه ۱۶۹ سوره آل عمران با تأکید از ما می‌خواهد که کشتگان مسیر الهی را مرده نپنداریم. نبی مکرم اسلام نیز شهادت انسان در راه خدا را بالاتر از هر عمل نیکی می‌دانند: «إن فَوق کُلِّ ذِی بِرّ بِرّا حتّی یُقتلَ الرّجُلُ شهیداً فی سبیلِ الله» (راوندی، بی‌تا: ۵). آری «پیامبر خدا آنقدر از فضیلت شهادت سخن گفته بود که تمام مسلمانان، خداجو، عاشق شهادت شده بودند. این شیوه تربیتی پیامبر (ص) سبب شد عرب‌های جاهلی که به زن و شهوت و اسب می‌نازیدند، به مسلمانانی فداکار و شهادت‌طلب تبدیل شوند» (غلام، ۱۳۸۸: ۷۰). پیشوای صادق (ع) ما شهید را در قیامت مانند انبیاء و علما صاحب شفاعت می‌دانند: «ثَلاثَةٌ یَشفَعونَ اِلَی اللهِ یومَ القیامةِ فَیُشَفَّعُهُم: الأَنبیاءُ (ع) ثُمّ العلماءُ ثُمَّ الشُّهَدَاءُ» (نوری، ۱۴۰۷، ۱۱: ۲۰).

توفیق حکیم در صحنه‌هایی مختلف از نمایشنامه به زیبایی ارزش شهادت و روحیه شهادت‌طلبی مسلمانان را به تصویر کشیده است؛ آنان با ندای توحید به سوی دشمنان می‌شتابند و پیامبر (ص) هم به مجاهدان پایدار و شکیبا که به شهادت می‌رسند مژده بهشت را می‌دهد:

محمد: (یخرج للقوم صائحا) یا معشرالمسلمین شدُّوا !...

المسلمون: (یحملون علی العدو صائحین) أحدٌ !... أحد !...

محمد: (صائحا) والذی نفس «محمد» بیده، لایقاتلهم الیوم رجل فیُقتل صابراً محتسبا مقبلا غیرمدبر؛ إلاأدخله الله الجنة! (**الحکیم، ۱۹۳۶: ۱۴۰**).

ترجمه: «محمد: (به سوی سپاه خودمی آید و فریاد می زند) ای گروه مسلمانان حمله کنید!

مسلمانان: (فریاد زنان به طرف دشمن می‌روند) خداوند یکتا، خداوند یکتا

محمد: (فریاد زنان) سوگند به کسی که جان «محمد» در دست اوست، امروز اگر مردی با پایداری مبارزه کند و کشته شود در حالی که شکیبا بوده و امید به پاداش خدا داشته و از میدان نگریخته است، خداوند او را وارد بهشت می‌کند!»

باز در فرازی دیگر از نمایشنامه جوانانی که به عشق پیامبر (ص) و اسلام به سوی میدان می‌شتابند و مشتاق شهادت هستند را چنین ترسیم می‌کند :

الشباب: اخرج بنا یا رسول الله !... لقد کنا والله نخرج إلی عدوّنا ...أما وقد أعزنا الله بالإسلام، وفینا نبیٌ مرسل ؛ أیدخل الوهن قلوبنا والخوف نفوسنا ؟ (**الحکیم، ۱۹۳۶: ۱۶۰**).

ترجمه: «جوانان: ای پیامبر خدا ما را هم با خود ببر! ما در کنار شما هستیم؛ به خدا سوگند که به سوی دشمن حرکت می‌کنیم! خداوند با اسلام به ما عزت داد و در بین ما پیامبری فرستاد؛ آیا شایسته است که سستی و ترس دردل‌های ما نفوذ کند؟»

آری همانطور که در فرازهای مختلف نمایشنامه آمده، عشق به شهادت در دل پیر و جوان ریشه زده بود و مسلمانان به این شعور رسیده بودند که شهادت نتیجه سلامت روان، و انتخاب آگاهانه است و مقاومت و پویایی جامعه را به دنبال دارد، چرا که ریشه در قدرت، قوت، پایداری و استقامت، مبارزه با کفر، انسجام، و آخرت‌خواهی دارد.

۷-۲. ارزش کار تبلیغی و فرهنگی در مبارزه

تبلیغات و رسانه یکی از مهم‌ترین ابزارهای موفقیت یک رهبر و فرمانده در جامعه است. در روزگار جاهلی و صدر اسلام این مهم به عهده شعر و نثر و خطابه بود. پیامبر اکرم (ص) هم به عنوان پیشوایی خردمند و رهبری هشیار از این امر غافل نبود. «در خبر آمده است که هنگامی که شعرای کفر پیشه با هجو رسول اکرم سعی عجیبی در شکستن حریم رسالت داشتند آن حضرت رو با اصحاب خود

کرد و گفت «ما منع الذين نصروا رسول الله بسيوفهم أن ينصروا بألسنتهم؟» حسان بن ثابت و ابن رواحه اظهار داشتند اگر فرماندهی این کار را خواهیم کرد و رسول اکرم در پاسخ آنان فرمود: «اهجوهم و روح القدس معكم» (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۳۶-۳۷).

در فرازی از نمایشنامه به این حرکت تشویقی پیامبر (ص) و تأکید بر آن در مبارزه با دشمنان و مشرکان اشاره شده است، آنجا که حضرت (ص) به نقش و تأثیر مهم اشعار ابن رواحه بر روحیه دشمنان اشاره می‌فرمایند:

عمر: (لرجاله) حطموا هذه الأحجار !...

ترجمه: «عمر: (به افرادش) این سنگ‌ها را درهم شکنید !...

(المسلمون يحطمون أصنام الكعبة ...)

ترجمه: (مسلمانان بت‌های کعبه را درهم می‌شکنند..)

ابن رواحه الشاعر : (يقف إلى جوارالنبی، ويصيح فی حماسه ....)

ترجمه: ابن رواحه شاعر: (ایستاده درکنار پیامبر، با شور و حماسه فریاد می‌زند)

خلوا بنی الكفار عن سبيله اليوم نضربكم على تنزيلهِ

ضرباً يُزيل الهامَ عن مقيلهِ و يُذهِلُ الخليلَ عن خليلهِ

عمر: يا «ابن رواحه » !... أبين يدی رسول الله، وفی حَرم الله تقول الشعر؟ ! ..

ترجمه: عمر: ای «ابن رواحه» در مقابل رسول الله، و در خانه خدا شعر می‌گویی؟!

محمد: خلّ عنه يا «عمر» !... فلَهِي فيهم أسرعُ من نَضحِ النَّبل!...

ترجمه: محمد: او را رهاکن ای «عمر» ! بی‌شک شعر در میان آنها از تیر کارسازتر است! (الحکیم، ۱۹۳۶: ۲۴۶).

ای فرزندان کفر راه پیامبر را باز کنید، امروز به فرمان قرآن به شما ضربه می‌زنیم، ضربه‌ای که سرها را از جایگاه خود دور می‌کند و دوست را از دوست خود را باز می‌دارد.

۳. نتیجه

در آنچه گذشت به واکاوی برخی از مهمترین مضامین پایداری در نمایشنامه «محمد» اثر ادیب و اندیشمند مشهور معاصر مصری توفیق حکیم پرداختیم. توفیق حکیم وقتی به نگارش این نمایشنامه دست زد که احساس کرد جهان اسلام و وطن او یعنی مصر در دنیای معاصر نیاز به بازخوانی الگوهای ناب انسانی دارد تا به سوی بیداری و پیشرفت حرکت کند. او در این نمایشنامه به مؤلفه‌های متعدد پایداری پرداخته است که عبارت‌اند از: شجاعت و شهامت پیامبر (ص) به عنوان رهبر و حاکم جامعه، سازش ناپذیری با باطل، تحمل و شکیبایی، جهاد در راه خدا، توصیف جامعه ستم دیده، ارزش شهادت و اهمیت کار تبلیغی در مسیر مبارزه. توفیق حکیم به عنوان یک ادیب و اندیشمند روشنفکری که در عین حال دغدغه حمایت از اسلام و شخص پیامبر (ص) را دارد، توانسته به زیبایی شخصیتی از پیامبر (ص) ارائه دهد که در برابر محرومان و ستمدیدگان احساس مسؤولیت دارد و تا واپسین لحظات عمر در راه عقیده‌اش پایداری و استقامت می‌کند. شایان ذکر است این اثر حکیم در زمانی نگاشته شد که در حیطه نمایشنامه جای آثاری از این دست خالی بود لذا وی با استفاده از ظرفیت هنری نمایشنامه توانست گامی سودمند در دفاع از ساحت پیامبر اکرم (ص) در برابر هجمه‌های شرق و غرب بردارد و ایشان را به عنوان الگوی پایداری و انسانیت به آزادگان سراسر جهان معرفی‌کند.

کتابنامه

قرآن کریم.

۱) أبوزهرة، محمد. (۱۴۲۳). **المرجع فی السیرة النبویة خاتم النبیین**. قاهره: دارالفکرالعربی.

۲) انکری، گابریل. (۱۳۷۸ش). **علی و حسین دو قهرمان اسلام**. ترجمه فروغ شهاب. تهران: ارمغان.

۳) حکیم، توفیق. (۱۹۳۶). **مسرحیة «محمد»**. مصر: دارالمصر.

۴) حکیم، توفیق. (۱۴۰۳). **التعادلیة مع الاسلام و التعادلیة**. قاهرة: مکتبة الآداب

۵) حکیم، توفیق. (۱۳۸۹ش). **شهرزاد**. ترجمه عبد المحمد آیتی. تهران: پژواک کیان.

۶) دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۵ ش). **سیره نبوی**. تهران: دریا.

۷) راوندی کاشانی، فضل الله بن علی. بی‌تا. **النوادر**. به تحقیق احمد صادقی اردستانی. قم: دار الکتاب.

۸) الزحلی، وهبة. (۱۳۹۲ش). **سیمای پیامبراسلام**. تألیف وهبة الزحلی. ارومیة: مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل.

۹) السرجانی، راغب. (۲۰۱۰). **فن التعامل مع غیر المسلمین**. قاهره: دارأقلام.

۱۰) سیدی، حسین. (۱۳۹۳ ش). **همنام گلهای بهاری**. نگاهی نو به سیره و شخصیت پیامبر گرامی (ص). قم: نشر معارف.

۱۱) شکری، غالی. (۱۹۷۰). **أدب المقاومة**. قاهرة: دارالتعارف بمصر.

۱۲) شهیدی، سید جعفر. (۱۳۸۵). **قیام امام حسین**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۳) شیت خطاب، محمود. (۱۹۶۰). **الرسول القائد**. چاپ دوم. بغداد: دارالمکتبه الحیاة و مکتبة النهضة.

۱۴) ضیف، شوقی. (۱۹۸۸). **الأدب العربی المعاصر فی المصر**. قاهرة: دارالمعارف.

۱۵) القادری، عبدالله بن احمد. (۱۴۱۳). **الجهاد فی سبیل الله**. چاپ دوم. الجده: دارالمنارة.

۱۶) القرنی، عائض بن عبد الله. (۱۴۲۲). **محمد کانک تراه**. چاپ اول. بیروت: دارابن جزم.

۱۷) مجاهدی، علی اکبر. (۱۳۷۹ش). **شکوه شعر عاشورا**. قم: پیک جلال.

۱۸) محمودی زاده، مهرداد؛ حسین زاده، زینب. (۱۳۹۵). **ادبیات پایداری درشعرمشروطه**. مشهد: نشر مینوفر.

۱۹) نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ق). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**. قم: مؤسسة آل البیت علیهم السلام.

۲۰) هدارة، مصطفی. (۱۹۹۴م). **بحوث فی الأدب العربی الحدیث**. بیروت: دار النهضة العربیة للطباعة والنشر والتوزیع.

مقالات

۱) امیری احمدی، احمد. (۱۳۹۳ش). «مؤلفه‌های پایداری دراشعار فارسی علامه اقبال لاهوری». *نشریه ادبیات پایداری*. سال ششم، شماره یازدهم پاییز و زمستان.
۲) کسمایی، علی اکبر. (۱۳۷۰). «از زبان توفیق حکیم». *نشریه ادبستان فرهنگ وهنر*. شماره ۲۳.

التنظيرات و النقد فى الأدب العربي
السنة الثانية، العدد ٨، شتاء ١٤٠١
صص: ٧٠-٥٥

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥,٤٦٣٢٥٥,١٠٤٣

« أصداء المقاومة في مسرحية «محمد» لتوفيق الحكيم »

سيد مهدي نوري كيذقاني [١]

عباس گنجعلي [٢]

علي بهمن [٣]

(تاريخ الوصول: ١٤٠٣/٠٣/٢٧ , تاريخ القبول: ١٤٠٤/٠٧/٢١)

الملخص

تعتبر المقاومة من أهم خصائص الثقافة والنظام الإسلامي. توفيق الحكيم (١٨٩٨-١٩٨٧)، كاتب مسرحي مصري مشهور، يهدف في العديد من أعماله، من خلال تصوير الأحداث التاريخية في شكل مسرحيات، إلى توعية الناس و تكريم القيم الإنسانية و المثابرة ضد الظلم. و تعتبر مسرحيته "محمد" من أولى و أهم المسرحيات الدينية و التاريخية في الأدب العربي المعاصر. تمكن المؤلف و بالاستعانة بكتب السيرة و التاريخ الأصيلة، من تصوير أحداث و وقائع حياة النبي (ص) منذ ولادته و حتى وفاته في شكل مسرحية قلما تناولتها الدراسات الأدبية. و يصور حكيم في المسرحية المذكورة مشاهد مختلفة من صمود النبي (ص) ضد مختلف خصومه و أعدائه في أسلوب تمثيلي. و في هذا المقال و بأسلوب وصفي تحليلي قمنا بدراسة بعض من المضامين المقاومة في هذه المسرحية. و باختصار يمكن القول إن الحكيم باستخدام إمكانيات الفنية للمسرحية استطاع أن يخطو خطوة في الدفاع عن الرسول الكريم (ص) ضد هجمات الشرق و الغرب، و وجعلته نموذجا للمقاومة و الإنسانية للأحرار في كل أنحاء العالم و نرى ملامح المقاومة في كثير من مقاطع المسرحية بوضوح.

الكلمات المفتاحية: توفيق الحكيم، مسرحية «محمد»، أصداء المقاومة.

---

١. أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة الحكيم السبزواري، سبزوار، إيران، البريد الإلكتروني: sm.nori@hsu.ac.ir (المؤلف المسؤول)

٢. أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة الحكيم السبزواري، سبزوار، إيران، البريد الإلكتروني: a.ganjali@hsu.ac.ir

٣. ماجستير، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة الحكيم السبزواري، سبزوار، إيران، البريد الإلكتروني: bahman٢٩١٥@gmail.com